



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۱۰/۰۵



دوکتور محمد ظاهر عزیز

پنجم اکتوبر، روز جهانی معلم



مدیر عمومی آن زمان یونسکو، جناب فدریکو مایور در چهل و چهارمین اجلاس وزرای تعلیم و تربیه که در تاریخ ۳ تا ۸ اکتوبر سال ۱۹۹۴ میلادی در شهر ژینو برگزار شد، پیشنهاد کرد که مجمع مذکور، روزی را به نام روز معلم پذیرفته، اعلام کند. این پیشنهاد از طرف مجمع تصویب شد و بعد از طرف کنفرانس عمومی یونسکو و مجمع عمومی ملل متحد، روز پنجم اکتوبر در سطح جهانی به نام روز معلم شناخته شد. در اجلاس ژینو ۷۰ وزیر، ۲۷ معاون وزیر و ۳۸ ناظر از ۱۳۵ کشور جهان حضور داشتند. امریکا و انگلیس که قبلاً از یونسکو خارج شده بودند در این اجلاس حضور نداشتند.

از سال ۱۹۹۵ میلادی تا کنون، این روز با صدور اطلاعیه و چاپ پوسترها و طرح شعارهای جذاب در مورد معلمان جشن گرفته می شود. ممکن است این سوال مطرح شود که چرا مخصوصاً پنج اکتوبر به عنوان روز جهانی معلم انتخاب شد؟ روز پنجم اکتوبر به این دلیل که بیانیه مشترک یونسکو و سازمان بین المللی کار با ارتباط وضعیت آموزگاران و حقوق آنها، روز پنج اکتوبر ۱۹۶۶ امضاء شده بود. در تاریخ پنج اکتوبر ۱۹۶۶ میلادی پس از بیانیه مشترک یونسکو و سازمان بین المللی کار، کنفرانس مهم و خاصی که بر مقام و منزلت معلم توسط یونسکو در شهر پاریس برگزار شده بود توصیه نامه یی در ۱۳ فصل و ۱۴۶ بند تهیه و منتشر شد.

باید به وضاحت گفت که گرامیداشت از روز معلم، در سطوح ملی کشورها، مانند افغانستان، منافع قابل ملاحظه ای بر وضع زندگی روزمره معلم چه در مکتب و یا وضع حیاتی او ندارد. طرح این پیشنهاد از سوی فدریکو مایور را می توان چرخشی در دیدگاه های یونسکو نسبت به تعلیم و تربیه دانست. تا قبل از این اجلاس مشکلات تعلیم و تربیه را ناشی از کمبود سرمایه گذاری در امور فیزیکی مانند ساختمان مکتب و یا کمبود وسایل تدریس می دانستند. اما، با بحث هایی که در اجلاس فوق الذکر در ژینو صورت گرفت این نظر تقویت شد که برای بالا بردن کیفیت آموزش باید کیفیت کار و زندگی معلمان ارتقاء یابد و معلم از جایگاه اجتماعی مناسبی در جامعه برخوردار شود. توصیه یونسکو به کشور های عضو ایجاد شرایط مناسب کار و زندگی برای معلمان و تقویت امید و اعتماد در میان آنها است.

بر اساس احصائیه های یونسکو در آن زمان، بیش از سی فیصد جمعیت ۸۰ میلیونی معلمان جهان زیر خط فقر زندگی می کردند. سطح زندگی و رفاه معلمان در کشورهای در حال توسعه سال به سال کاهش می یابد و جاذبه های شغل معلمی برای جوانان جویای کار کمتر شده است. این رقم یعنی کاهش قابل ملاحظه در وضعیت زندگی معلمان در کشورهای در حال توسعه و فقیر مانند افغانستان که علاوه از ملاحظات مالی فساد و اداره نادرست محسوس است و برنامه های انکشافی در جهت بهبود تعلیم و تربیه و وضع معلمان یا هیچ وجود ندارند و یا چشمگیر و قانع کننده نیستند، علاقمندی جوانان را برای قبول وظیفه معلمی کم و کمتر ساخته است.

در کشور ما افغانستان، امسال هم، مانند سالهای قبل، وزارت معارف روز معلم را به روش به اصطلاح شن وفرط و ترانه خوانی ها و وعده هایی که تطبیق آن وعده ها ممکن نیستند، برگزار کرد. در محفل برگزاری روز معلم، جناب وزیر معارف چنین گفت (پیشنهادات ما در مورد بهبود وضع معلمان، افزودی معاش و تهیه زمین رهائشی برای معلمان، بنابر مصروفیت های اداری در وزارت مالیه و اداره امور، با ارتباط انتخابات ریاست جمهوری، به تعویق افتاد. انشأ الله به زودی تصویب خواهند شد). این گفته جناب وزیر معارف افغانستان چنین معنی میدهند که وزیر و کارمندان وزارت مالیه و اداره امور در کشور ما مصروف انتخابات ریاست جمهوری بودند که کاملاً با قانون انتخابات مغایرت دارد.

من به صفت معلم دیروز و دوستدار شغل مقدس معلمی از وزیر معارف می پرسم که حکومت وحدت ملی در قیادت جناب دوکتور اشرف غنی، در طول پنج سال گذشته و یا از تاریخ تجلیل سال قبل از روز معلم، در بهبود وضع معلمان افغانستان چه اقدامات و تصاویر مهمی را در امر اجرا قرار داده است؟

با همه مشکلات و عدم توجه به وضع معلمان وطن، از طریق رسانه های گروهی، از خواهران و برادران شریف افغان که وظیفه مقدس تربیت فرزندان وطن را پذیرفته اند شنیدم که ایشان باخوشی و مباحثات وظیفه معلمی را که در دین اسلام از مقدس ترین وظایف به شمار می رود، اجرا می نمایند.

ای هموطنان عزیز، آیا میدانید که معاش ماهانه یک معلم چند هزار افغانی است؟ تقریباً هشت هزار و پنجصد افغانی. لہذا، خواست های معلمان کشور در جهت افزودی معاش ماه وار و داشتن سر پناه، برحق و قابل درک کامل استند. باید گفت که اکثر معلمان در کشور ما پائینتر از خط فقر زندگی می نمایند.

معلمان افغانستان از لحاظ معنوی شایسته ترین، نجیب ترین و با فضل ترین ماموران کشور هستند اما، از لحاظ مادی و رفاه حیاتی نادر ترین و غریب ترین طبقه ماموران دولتی می باشند چونکه اکثر شان فاسد، دروغگو و خیانتکار نیستند. وظایف شانرا تا حد توان به وجه احسن اجراء می نمایند زیرا می دانند که مقدس ترین وظیفه را به عهده دارند.

تربیت معنوی و اخلاقی فرزندان وطن به عهده معلمان سپرده شده است. معلمان مصروف تعلیم و تربیت فرزندان وطن، خلاق مغز متفکر، و سازندگان فرهنگ و هنر در کشور هستند. آنها مسؤولان تربیت نیکو، وطن دوستی، انسان دوستی و انسانیت، به فرزندان ما هستند.

رسالت اصلی تعلیم و تربیه ایجاد و پرورش انسانی کامل و نو می باشد که ابتدا می باید با معیار های عینی و قابل اطمینان شناخته شود. به همین نحو می باید به عوامل گوناگونی که در رشد این انسان مؤثرند (عوامل ملی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تاریخی، محیط زیست و غیره) پی برد تا بتوان همه آنها را برای شکوفا ساختن شخصیت انسان و اجتماعی که در آن زندگی می کند، متشکل و قابل استفاده نمود. **باید به وضاحت گفت که معلم در ساختن چنین انسانی نقش اصلی و اساسی دارد که با تأسف در افغانستان کمتر شناخته شده است.**

بدون مکتب، معلم و کتاب، فرزندان امروز و آینده کشور یعنی جامعه ما نه به درجه خوبی های معنوی و نه به درجه رفاه حیات نایل میگردند. اگر ما دیموکراسی بخواهیم و یا کشور داری خوب، اگر راستکاری بخواهیم و یا راستگویی، اگر کارمندان با وجدان بخواهیم و یا کار فرمایان خوب و پاک نفس، این همه شایستگی ها در مغز و قلب معلمان نهفته اند و آرزو دارند که با محبت و با مزد کم به فرزندان خود یعنی دختران و پسران افغان بدهند.

من به صفت شاگرد و معلم دیروز، به خوبی میدانم که معلمان خوب چه در شهرها و یا در قریه های وطن، میان فرزندان خودش و شاگردانش فرق قایل نیستند زیرا که همه شاگردان، فرزندان معلم هستند.

با این همه خوبی ها، معلمان کشور نادر ترین و بیچاره ترین طبقه ماموران کشور اند که هر روز در پی یافتن نان خشک شباروزی برای خودش و خانواده خود می باشند و من تا امروز هیچ دستگاه و مقامی را در کشور سراغ ندارم که متوجه درد و غم و چاره جویی بیچاره گی های معلمان کشور باشد.

معلمی که فارغ صنف چهارم و یا شانزده مؤسسات مسلکی باشد و بیش از سی سال وظیفه معلمی را به عهده داشته باشد، بیش از هشت هزار و پنجصد افغانی معاش ماهانه ندارد. اکثر معلمان خانه شخصی ندارند مگر اینکه از پدر میراثی به آنها رسیده باشد.

حال حساب می کنیم که یک معلم بی خانه و دارای پنج عضو خانواده در حوالی کابل چطور زندگی می نماید اگر او در چهلستون زندگی نماید، حتماً چهار هزار افغانی کرایه ای خانه میدهد. این معلم برای زنده ماندن یعنی بخور و نمیر، روز و شب، حد اقل به هفت نان خشک ضرورت دارد که قیمت ماهانه آن دو هزار و یکصد افغانی میشود. دو هزار افغانی باقیمانده را باید به مصرف کرایه ای سرویس، پول برق و یا روغن چراغ، ترمیم بایسکل و یا اندکی بوره و چای، برساند. به یقین که دیگر هیچ پولی برایش باقی نخواهد ماند.

این معلم نادر و بیچاره، پولی برای خرید لباس خانواده، خرید ادویه ای مرضی طفل و یا خانم و مادرش ندارد. او بیمه صحی ندارد. او و خانواده او در طول یکماه یک کیلو گوشت خریده نمی توانند مگر اینکه به قرض گوشت بخرد. او حتی پول خرید یک کیلو کچالو و یک قطعی روغن نباتی را یا به قرضه پیدا میکند و یا باید از تعداد نان روزانه کم نماید. اگر او و یا عضو از خانواده او مریض شود، یا می میرند و یا معیوب دائمی خواهند شد چونکه پول ادویه های به نام، قاچاقی راکه به جوالهای کلان و به زیر چشم ماموران فاسد گمرک وارد افغانستان می نمایند و در پیشروی چشم ماموران وزارت صحیه می فروشند، این معلم بیچاره ندارد.

خلاصه اینکه معلم، مریض و با لباسهای کهنه، شش روز هفته به مکتب میرود و وظیفه مقدس را اجرا می نماید اما اگر مظاهره و درخواست حقوق ماهانه اندک بیشتری را می نماید، محکوم به غیر حاضری و قهر اداره مقامات عالی رتبه وزارت معارف و یا رئیس جمهور کشور می شود. پس ای خوانندگان شریف این نوشته، شما خود بگوئید که معلمان وطن برای زنده ماندن چه کاری انجام دهند؟ چونکه معلمان حق شرف و عزت نفس را می شناسند، گدایی هم نمی توانند چرا که معلمان هر روز گدایان و خواهان علم، دانش و شرف را که شاگردان ایشان هستند به مراد می رسانند.

ما در اینجا از معاش و امتیازات اطرافیان جناب رئیس جمهور که هریک برابر سی، چهل و یا پنجا معلم حقوق ماهانه دارد حرف نمی زنیم اما می گوئیم که مشاوران جناب رئیس جمهور حتماً چهل و یا شصت شکم دارند و یا اینکه حتماً شکم های هر یک شان شصت مرتبه بزرگتر از شکم معلم است.

این حالت زار و بیچاره گی معلمان از کجا سرچشمه گرفته است و چرا تداوی نمی شود؟ در سالهای قبل از اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی، معلمان مانند سایر ماموران دولت و بر حسب قانونی که بر هرکس تطبیق می شد، مقرر می شدند، ترفیع و تقاعد می نمودند. به عبارت دیگر معلم لایق و زحمت کش با در نظر داشت درجه تحصیل و عمر او مانند دیگر مامورین دولت تا رتبه اول ترفیع می کرد و از امتیازات و حقوق ماهانه معاش و یا تقاعد مانند دیگر ماموران دولت، برخوردار بود. ضمناً معلمان خوب و لایق بعد از طول دو سال کار و بدون در نظر داشت بست، ترفیع می نمودند.

حالا می آئیم بر سه موضوع مهمی که امروز در کشور ما سر راه معلمان کشور قرار دارند:

یک: اینکه معلمان این حالت زار را با صمیم قلب بپذیرند و هریک و هر روز با خود بگویند که شرف ام در این است که معلم ام. معلم باید قدر علم را بداند و طوری وظیفه خود را انجام دهد که شاگردانش بدانند که ارزش علم بهتر از کسب ثروت است. علم یک شرف است و معرفت یک شرف است و شاگردان باید شرف و معنویت را بیاموزند نه ثروت یافتن را. پس معلمان، همان طوریکه خواست حکومت است با ناداری بسازند و بسوزند اما، شکایت نکنند، به صنف های خود بروند، اگر گرسنه بودند یا مریض، اگر قرضدار بودند و یا بی خانه، صدای خود را بلند نکنند چراکه به درس معنویت که وظیفه اصلی شان است ضرر می رسانند.

دو: نیک میدانیم که معلمی شغل انسان است همان انسانی که دو رسالت مهم الهی داشتند (۱) هدایت انسانها به انسانیت و کمال الهی و (۲) مبارزه با طاغوت و ظلم و تبعیض. پس معلمان حق دارند برای احقاق حقوق شان در حالیکه شرافت و عزت خود را حفظ می نمایند، مبارزه نمایند. احقاق حقوق معیشتی، احقاق حقوق مادی و مالی برای معلم نیز برحق است، حتی اگر معلم ملیونر هم باشد که هیچ گاهی نخواهد بود و نخواهد شد.

سه- دولت خاصاً مقامات بلند دولتی وظیفه وجدانی دارند که از حال معلمان باخبر شوند و برای چاره سازی و علاج وضع بد معلمان، در قالب قوانین، کمیسیون عالی نه متشکل از پول داران دور کاسه رئیس جمهور بلکه متشکل از استادان متجرب پوهنتونها را مؤظف نمایند تا در تعدیل قانون فعلی، روش فعلی وابسته به معلمان پیشنهادات مناسب که متن و شکل انسانیت و حقانیت با حفظ این مطلب که معلمان وظیفه معنویت و انسانیت را در کشور دارند و حق زندگی آبرو مندانه تری را دارند، به دولت ارایه دارند. اگر گوشه‌های مقامات بلند دولتی صدای معلم و طفل او را می شنوند و دل شان اندکی به حال معلمان و اطفال شان می سوزد، حتماً رحمی برحالت زار معلمان کشور ما خواهند کرد.

در آخر بنده با حرمت و دست بوسی به همه معلمان کشور، این شعر عالی را که یکی از سخن گویان ادب در صفت معلم سروده است به مناسبت روز معلم به همه معلمان جهان تقدیم می نمایم.

ای خدای عشق، ای ام‌الکتاب
تو به ما آموختن آموختی
در پی سوز و گداز و سوختن
"ابن سینا" و "ابوریحان" را
شغل تو شغل تمام انبیاست
زاده "لاهوئی" و از نسل خاک
ای معلم، ای سراسر آفتاب
همچو شمع در بین ما میسوختی
فکر تو تنها بود آموختن
در پی علمت فدایی کرده ای
جای تو در آسمان و در سماست
از سخن گفتن نداری هیچ باک

در کتاب دل نویسم با مداد

ای معلم روز تو تبریک باد

**** **

تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

پنجم اکتوبر روز جهانی معلم
[zaher_aziz_roz_e_jahaani_batamadon_moalem.pdf](#)